

ریشه خشونت در جامعه

خبر حمله خشن فردی با سلاح سرد در حرم رضوی، یکبار دیگر موضوعی ذیل عنوان «چرایی گسترش خشونت» را در فضای عمومی جامعه مطرح کرد. قبل از هر تحلیلی باید این رفتار خشن که باعث آسیب برخی هموطنان ایرانی شده را محکوم کرد و از آن بیزاری جست و پس از آن به دنبال ریشه‌های بروز خشونت گشت. مطابق معمول در چنین مواقعی، تحلیلگران به دنبال دلایلی می‌گردند که از دل آنها، رفتارهای خشن در شکل و شمایل متفاوت ظهور و بروز پیدا می‌کند.

یکی از گفتمان‌های برجسته‌ای که در زمان دولت اصلاحات تلاش شد، ابعاد مختلف آن در جامعه ترویج شود، بحث مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز بود. گفتمانی که متأسفانه طی سال‌های بعد، جای خود را به گفتمان‌هایی خشن، افراطی و سلبی داد تا جایی که امروز جلوه‌هایی عینی از خشونت در جامعه ظهور و بروز پیدا می‌کند. یک روز این رفتارهای خشن در شمایل برخورد با [بانوان](#) در جریان بازی ایران و لبنان و روز دیگر در جریان حمله یک فرد افراطی به طلبه‌ها در حرم رضوی.

اما ریشه‌های واقعی بروز خشونت در جامعه چیست؟ ارتباط بین ترویج گفتمان خشونت‌آمیز در عرصه‌های عمومی و بد اخلاقی‌های سیاسی با ظهور رفتارهای تند کدام است؟

نباید فراموش کرد که پدیده‌های عمومی و اجتماعی ارتباط مستقیمی با قوانین زیربنایی فیزیکی دارند. همان‌طور که اسحاق نیوتن در قرون گذشته، ثابت کرد که هر عملی با عکس‌العمل مناسب خود همراه است، در عرصه‌های اجتماعی نیز هر رفتاری با رفتاری متناسب همراه خواهد بود و هر کنشی، واکنشی خواهد داشت. این رویکرد در هندسه مقدس و علوم مذهبی هم به همین شکل بازتاب پیدا می‌کند. در همه کتب دینی تأکید شده که اگر باد بکاری، توفان درو می‌کند و اگر مهر بکاری، عشق و محبت برداشت خواهی کرد. نمی‌توان توقع داشت که برخی چهره‌های سیاسی و حاکمیتی در کشور، گفتمان و رفتارهای خشن را ترویج کنند و بعد جلوه‌های [خشونت](#) در جامعه بروز نکند.

در مسیر تاریخ اگر به دهه 50 خورشیدی بازگردیم با رفتارهای خشن سازمان مجاهدین خلق با چهره‌هایی چون مجید شریف واقفی که رویکردهای مذهبی داشت، روبه‌رو می‌شویم. زمانی که با رفتارهای خشن

شريف واقفي را ترور كردند تا به زعم خود دست بالا را در اين سازمان به دست بگيرند. اما تجربه تاريخي نشان داد، ساختاري كه بر اساس ترور كور، خشونت و قتل عام شكل بگيرد، نه تنها جايگاه شايسته اي در تاريخ يك سرزمين پيدا نمي كند، بلكه به فرودست ترين نقاط ممكن نزول مي كند. اتفاقي كه براي اين سازمان ضد مردمی نیز رخ داد و هر روز آنها را بيشتر از مردم دور كرد. بنا بر اين شخصي كه مي كشد، چاقو مي كشد، چماق بلند مي كند و فریاد مي زند، نه تنها در موضع قدرت نيست، بلكه در حال پايه ريزي سقوط سهمگين خود است. رفتارها همواره از گفتارها نشات مي گيرند، وقتي گفتارها در تريبون هاي مختلف، خشن شوند، خشونت در جامعه افزايش پيدا مي كند. زماني كه از تريبون هاي عمومي گفتمان خشن، ترويج ميشود و بر خلاف قانون اعلام ميشود كه علاقه مندان به موسيقي، بايد يك شهر خاص را ترك كنند، طبيعي است كه اين نوع گفتمان به شكل و شمایل ديگري در قالب رفتارهاي خشن بروز مي كند.



اما موضوع ديگري كه ريشه هاي خشونت در جامعه را شكل مي دهد به فشارهاي بازمي گردد كه بنا به دلايل گوناگون بر افكار عمومي تلنبار ميشود. در جريان بازي ايران و لبنان مشاهده شد كه رفتار نامناسبي با بانوان صورت گرفت و به صورت آنها اسپري فلفل پاشيده شد. اين فشارها نيز ريشه هاي قطور خشونت را در جامعه شكل مي دهند.

موضوع مهم بعدي، گسترش فقر و مشكلات معيشتي است. بررسي اظهارات تحليلگران و جامعه شناسان نشان مي دهد كه يكي از ريشه هاي اصلي گسترش خشونت در جامعه، فقر است. فردي كه براي تامين نيازهاي عادي

و روتین خود با مشکل مواجه باشد، نمی‌تواند رفتارهای مسالمت‌آمیزی از خود نشان دهد. گسترش زورگیری، سرقت، [قتل‌های فجیع](#) و... نشان‌دهنده ارتباط بین خشونت و فقر است. اما در برابر این گزاره‌ها، موضوعی که می‌تواند باعث افزایش مدارا در جامعه شود، حکمرانی مطلوب و فرهنگ مداراست. انسان در عصر مدرنیسم و پسامدرنیسم، متوجه شد که با استفاده از جامعه مدنی، صندوق‌های رای و رفتارهای مشروع حزبی می‌تواند قدرت را در جامعه به دست بگیرد و برای اصلاح امور حرکت کند. وقتی برخی افراد و جریان‌ات انتخابات را محدود می‌کنند و با استفاده از ابزارهایی چون نظارت استصوابی و... افراد مقبول عمومی جامعه را به بهانه عدم احراز صلاحیت از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حذف می‌کنند، یکی از جلوه‌های بارز خشونت در جامعه است. اما متأسفانه چنین ضرورت‌هایی نه تنها مورد توجه برخی افراد و جریان‌ات صاحب قدرت قرار نمی‌گیرد، بلکه مدام در [آتش خشونت](#)، رویارویی سلبی و... دمیده می‌شود. به عنوان نمونه بعد از گروه‌بندی ایران در [جام جهانی](#)، برخی افراد سیاسی اصولگرا به جای ترویج صلح و دوستی از گفتمان‌های خشن در خصوص گروه‌بندی ایران استفاده کردند.

بنابراین در وهله نخست، باید گفتمان غالب جامعه را از رویکردهای خشونت‌آمیز و سلبی تطهیر کرد و در مراحل بعدی تلاش کرد از طریق بهبود مناسبات ارتباطی با جهان پیرامونی، حل مشکلات اقتصادی، پایان تحریم‌ها و افزایش نشاط عمومی فرهنگ مدارا را در جامعه ترویج کرد. در يك كلام، باید مهر بکاریم تا محبت و مدارا درو کنیم...

**اسماعیل گرامی‌مقدم/اعتماد/5191